بسمه‌تعالی

۲۹/۰۲/۹۴ امارات معتبره - حجیّت خبر واحد - اجماع مرکب

**خبرواحد**

**اجماع مرکب**

بحث در مورد اجماع مرکب بود در اجماع مرکب عرض شد که گاهی اوقات دو دسته‌ای که مثلاً یک اجماعی دارند این دو دسته هر دو با قطع نظر از پذیرش قول خود قول ثالث را نفی می‌کنند به طوری که هر دسته را اگر از قول خود باز داریم قول سوم را انتخاب نمی‌کندقول دیگر را انتخاب می‌کند این شبیه همان اجماع بسیط هست اما بحث عمدتاً در جایی هست که دو دسته‌ای که اجماع دارند قول خود را که انتخاب کرده‌اند هم چنانکه قول دیگری را نفی می‌کنند قول سوم، چهارم و پنجم هم را هم نفی می‌کنند اینجا مسئله چیست؟ عرض شد بنابر مبنای دخول و قاعده‌لطف اجماع می‌تواند حجت باشد اما بنابر مبنای حدس به طور معمول اجماع حجت نیست به دلیل اینکه آن مقداری که باعث حدس قول امام علیه السلام می‌شود قول کل هست قول نصف علما حدس قول امام علیه السلام را بدنبال ندارد اینجا آقای هاشمی در تقریرات خود از قول آقای صدر نقل می‌کنند که مشکل فقط این نیست که مقدار افرادی که یک قول را انتخاب کرده‌اند از همه علما مثلاً به نصف علما تبدیل شده مشکلهای دیگری هم وجود دارد اینکه دو دسته علما هستند که این دو دسته هر کدام با دیگری تعارض دارند و این تعارض باعث می‌شود که ما نتوانیم قطع نظر از کم شدن تعداد حدس بزنیم حالا ما می‌خواهیم این کلام را بررسی کنیم این کلام در بحث حجیت واحد لا به عین در باب خبرین متعارضین هم مطرح هست که با یک تفاوت خاصی که اینجا وجود دارد که عرض خواهم کرد. فرض کنید که علما 100 نفر باشند و قول نصفی از علما 90 درصد مطابقت با واقع دارد می‌خواهیم ببینیم که نحوه محاسبات چگونه هست یک موقعی اجماع، اجماع بسیط هست یعنی 90 درصد 50 نفر دارند و 90 درصد 50 نفر دیگر دارند اینکه هر دو تای این گروه بخواهند کاذب باشند

برای محاسبه کردن کاذب بودن هر دو را باید محاسبه کرد ببینید قبل از اینکه این محاسبات را شروع کنم یک نکته‌ای را عرض می‌کنم فرض کنید در واقع دو خبر هستند که هر کدام 90 درصد احتمال صدق و 10 درصد احتمال کذب دارند اگر یکی از این دو خبر صادق باشد مفاد مشترک آنها را ثابت می‌کندصادق بودن احدهما را چگونه محاسبه می‌کنیم؟ اینجا چون موارد یاء محاسبه سختی دارد از طریق محاسبه نقیض و نقیض گیری محاسبه راحت‌تر هست آن این هست الف یا باء نقیض نه الف و نه باء هست بنابراین نه الف و نه باء راحت محاسبه می‌شود چون برای اینکه دو چیز هر دو ثابت باشند حاصل ضرب آن دو احتمال، احتمال به نحو جمعی این دو هست بنابریان در ما نحن فیه به جای اینکه ما احتمال صدق الف را در نظر بگیریم و احتمال صدق باء را در نظر بگیریم احتمال اینکه هر دو کاذب باشند را در نظر می‌گیریم این احتمال را از یکی کم کنیم احتمال این می‌شود که لااقل یکی صادق باشد و صادق بودن یکی از اینها نقیض کاذب بودن هر دو هست محاسبه کاذب بودن هر دو راحت هست 90 درصد اگر الف صادق هست 10 درصد احتمال کاذب بودن را دارد خبر دوم هم 10 درصد احتمال کاذب بودن را دارد احتمال اینکه هر دو کاذب باشند 10 درصد ضربدر 10 درصد که صد ده هزارم می‌شود یعنی 1 درصد که یک صدم می‌شود یک صدم را که از یک کم می‌کنیم 99 درصد می‌شود بنابراین هر خبری احتمال صدق آن 90 درصد باشد دو خبر با همدیگر احتمال صدقشان 99 درصد می‌شود از 90 درصد به 99 درصد ارتقا پیدا می‌کنداین در صورتی هست که علم اجمالی به کذب این دو خبر نداشته باشیم یعنی متعارض نباشند در جایی که متعرض باشند محاسبات فرق می‌کنددر ما نحن فیه هم همین گونه هست اگر 90 درصد احتمال مطابقت قول 50 نفر از علما با قول معصوم باشد احتمال مطابقت قول 50 نفر دیگر علما هم با قول امام علیه السلام 90 درصد باشد احتمال عدم مطابقت را در هر کدام در نظر می‌گیریم با همدیگر ضرب کرده و از یک کم می‌کنیم احتمال مطابقت یک دسته با قول معصوم بدست می‌آید و آن احتمال که بدست آمد دیگر مطلب تمام هست این در صورتی هست که علم به کذب نداشته باشیم که همان

یک درصد احتمال اینکه هر دو مخالف با واقع باشند هم 50 نفراول مخالف با واقع باشند و هم 50 نفردوم مخالف با واقع باشند احتمال اینها یک درصد هست پس احتمال اینکه لااقل یکی از این دو دسته مطابق واقع باشند 99 درصد می‌شود این در صورتی هست که بحث علم اجمالی به کذب مطرح نباشد مثلاً در اجماع بسیط چون علم به کذب نداریم، یا اجماعات مرکبی که اینها نقیض هم نیستند در دو مساله مختلف اجماع دارند 50 نفر یک مسئله دارند و 50 نفر دیگر در مسئله دیگری که با همدیگر تناقض هم ندارند احتمال اینکه لااقل یکی از این دو دسته با واقع مطابق باشند این نحوه ای بود که عرض کردم. اثبات مدلول مشترک که ممکن هست مدلول مشترک نفی ثالث و امثال اینها باشد اینها مورد بحث ما نیست بحث ما در جایی هست که ما اجماع مرکب بر قولین مختلفین داریم دو قولی که با همدیگر قابل جمع نیستند و علم داریم که یکی از اینها مخالف با واقع هست اینجا بحث احتمال مشروط مطرح می‌شود با فرض کاذب بودن یکی از اینها کاذب بودن دومی را اگر حساب کنیم اینکه چقدر احتمال دارد که دومی کاذب باشد این احتمال را از یک که کم کنیم احتمال مورد نظر بدست می‌آید با فرض کاذب بودن که لااقل یکی از اینها کاذب هست این دسته اول علما 90 درصد احتمال صادق بودن هست یعنی از صد حالت ممکن ده حالت آن عدم مطابقت هست 90 حالت آن مطابقت با قول معصوم هست حالا من بجای مطابقت و عدم مطابقت من کلمه صادق و کاذب را به کار میبرم 90 درصد این قول دسته اول صادق هست 10 درصد کاذب هست ذاتاً، در دسته دوم هم 90 درصد احتمال صدق وجود دارد و 10 درصد احتمال کذب وجود دارد بدون در نظر گرفتن علم اجمالی، الان جداگانه در نظر گرفتم بدون علم اجمالی تا صورت مساله حل شود ما در واقع در حساب احتمال مجموع تعداد حالات مطلوب را تقسیم بر تعداد حالات ممکن می‌کنیم در این احتمال مشروط در واقع این عددها ممکن هست تغییر کند حالات مطلوب و ممکن ما با توجه به پیش شرطی که اینجا می‌گذاریم عدد آن عوض شود در ما نحن و فیه 100 حالت در دسته اول احتمال داشت 90 تا صادق بودن دسته اول بود 10 تا کاذب بودن دسته اول اگر دسته

اول صادق باشد اینجا دیگر دسته دوم دو حالت در مورد آن متصور نیست فقط یک حالت هست چون بر فرض صادق بودن دسته اول، دسته دوم حتماً کاذب هست چون ما می‌دانیم که یک کاذب در این میان هست پس مجموع حالات ممکن در مورد آن 90حالت،90حالت هست اینطور نیست هر حالت آن دوباره 100حالت در مورد آن تصویر داشته باشد در حالت عادی هر حالت دسته اول 100حالت از دسته دوم مقابل آن 100حالت تبدیل می‌شود آن 90 حالت دسته اولی که صادق هست نسبت به دسته دوم چند حالت دارد؟ 90 حالت، این 90 حالت را در نظر بگیرید اما آن 10حالتی که دسته اول کاذب هست اینجا ممکن است دسته دوم هم کاذب باشد چون ممکن است هر دو کاذب باشد پس این 10 حالت دسته اول خود آنها 100 حالت در مورد آنها متصور هست یعنی 1000 حالت مجموع حالتهای این 10حالت است و 99 حالت هم مجموع حالتهای آن دسته دوم بوده است. پس مجموع حالتهایی که برای ما متصور هست این را محاسبه کنیم ببینیم چه چیزی می‌شود؟ از 90 حالت صدق دسته اول 90 حالت برای ما ایجاد می‌شود از10 حالت کذب دسته اول 1000 حالت ایجاد می‌شود مجموع حالتهای ما 1090 حالت هست من به جای اینکه 90 و 10 بکنم 9 و 1 بگویم عین همین هست از 9 حالت صدق دسته اول 9 حالت برای ما در می‌آید از 10 حالت کذب دسته اول 100 حالت برای ما ایجاد می‌شود.

پرسش: در آن 10 مورد کذب طرف مقابل چون هم احتمال صدق آن و احتمال کذب آن هست و 100 حالت دارد چون هر کدام را با آن 100 حالت بگیرد 10 تا این طرف 100 و 10 تا آن طرف 100هر کدام 1000 تا می‌شود آن وقت در آن حالت 90 صدق که طرف مقابل حتماً کاذب هست 90 تای سوم آن طرف هم 10 تا حالت هست 10 فرد هست که کذب را داشت اگر قرار شد هر فردی را استقلالی نگاه بکنیم اینجا هم 90 تای صدق هر کدام هم با 10 حالت کذب باید ضرب شود؟

پاسخ: بله درست هست از آن 90 حالت صدق دسته اول نه، دسته اول اگر صادق باشد دسته دوم حتماً کاذب هست چون احتمال مختلف ندارد یک حالت بیشتر ندارد یعنی اگر اولی صادق باشد دومی مسلماً کاذب هست. پرسش: در هر 10 حالت کذب وقتی می‌خواهیم با آن حالت بسنجیم که 100 حالت احتمال دارد که از این 100 حالت 90 تا صدق و 10 تا کذب هست هر کدام را استقلالی نگاه می‌کنیم یعنی 100 تا صدق و 10 تا کذب، این طرف هم اگر صادق باشد آن ور 10 تا کذب دارد ولو فقط کذب هست چطور آنجا فقط صدق را 90 تا حساب می‌کنیم یعنی 100 حالت استقلالی می‌کنیم؟ پاسخ: من به جای اینکه آن گونه محاسبه کنم 9 و 1 در نظر می‌گیریم بحث این هست از 9 حالت صدق دسته اول، دسته دوم حتماً کاذب هست یعنی یک حالت دارد حالت کذب ما یک حالت هست این 9 صورت ممکن می‌شود ولی یک حالت کذب دسته اول 10 احتمال دارد پس روی هم رفته 10 بعلاوه 9 می‌شود که 19 می‌شود ولی من برای اینکه راحت محاسبه کنیم می‌گوییم اگر 9 حالت صدق دسته اول باشد فقط صورتی که دسته دوم کذب هست امکان دارد و کذب دسته دوم یکی هست آن هم از 10 حالت یک حالت کذب بود 9 حالت صدق بود پس 9 حالت صدق دسته اول 9 حالت برای ما ایجاد می‌کنداز 1 حالت کذب دسته اول 10 حالت متصور هست که روی هم رفته 19 حالت می‌شود که از این 19 حالت یک حالت مطلوب ما هست یک حالت مطلوب حالتی هست که هر دو کاذب باشند در هر دو کاذب بودن یک احتمال هست بنابراین احتمال کذب هر دو بر فرض علم به کذب احدهما یک بیستم هست یعنی احتمال صدق یکی از این دو دسته نوزده بیستم هست، نوزده بیستم را که به 100 در نظر بگیریم 95 صدم می‌شود 95 درصد می‌شود یعنی در آن 90 درصد وقتی علم اجمالی به کذب را در نظر نگیریم دو 90 درصدها با همدیگر 99 درصد می‌شوند این یکی 95 درصد می‌شود البته بین در واقع بین 5/94 درصد می‌شویم تقریباً‌بینا بین اینها می‌شود ... اگر پس از 90 درصد بیشتر شد تبدیل به 95 درصد شد برخلاف گفته آقای هاشمی نه تنها این اختلاف کذبی که اینجا هست کانه از آن 90 درصد اینها را پایین می‌آورد نه احتمال کذب دلیل دوم بر

فرض علم اجمالی به کذب احدهما از احتمال کذب تک تک اینها کمتر هست احتمال کذب تک تک اینها 10 درصد بود ولی احتمال ذب دومی بر فرض کذب اولی 5 درصد هست بنابراین نتیجه این می‌شود که اگر ما 95 درصد را قبول داشته باشیم و برای ما حالت اطمینان بخش باشد اجماع مرکب حجت هست اگر 95 درصد حجیت نداشته باشد به اندازه همان 99 درصد باید باشد تا حجت شود بنابراین اینجا حجیت نخواهد داشت اینجا یک نکته‌ای را ضمیمه بکنم آن این هست در بحث نفی ثالثی که در خبرین متعارضین مطرح هست یک بحث ضمیمه‌ای دیگری وجود دارد آن بحث این هست که آیا تمام العلة برای حجیت خبرین متعارضین جهت کاشفیت آن هست، این درجه کاشفیت آن هست که اگر درجه کاشفیت خبر نسبت به نفی ثالث بیشتر از درجه کاشفیت تک تک اخبار باشد بالاولویه حجیت خبر در نفی ثالث یا بفرمایید حجیت واحد لا بعین را نتیجه بگیریم این متوقف بر این هست که ما یقین داشته باشیم که کاشفیت تمام العلة برای حجیت خبر واحد هست ممکن هست شخصی این را ان قلت کند که ما دلیل نداریم که کاشفیت تمام العلة هست و این خود جهت دیگری در آن بحث هست که باید به آن جهت پرداخت بنابراین مثلاً در مورد شاهدین که شهادت در بحث شهادت معتبر هست، یا در بحث جواز تقلید که جهات موضوعی دخالت دارد صرفاً جنبه کاشفیت تمام العلة نیست جنبه‌های موضوعیه هم دخالت دارد آنجا بحث نفی ثالث پیش نمی‌آید به دلیل اینکه تمام العلة آن جنبه کاشفیت نیست یک بحثی در خبرین متعارضین هست که آن جهت را چگونه شما منتفی می‌دانید ممکن هست اشخاص بگویند ارتکاز عقلا در خبرین متعارضینی هست که اینها یا به جهات کاشف هست یا خصوصیات منکشف هست اینجا خصوصیات کاشف و منکشف هر دو نسبت به خبر و نسبت به اثبات مدلول خبر متعین یا خبر به نحو واحد لابه عین مساوی هست آنجا یک بحثی دارد که باید آن بحث را آنجا دنبال کنیم ولی اینجا آن بحثها پیش نمی‌آید اینجا ما نمی‌خواهیم ادله حجیت قول 50 علما بالاولویة و قول 50 نفر علما لا به عین را استفاده کنیم چون 50 نفر علما حجیت خاصه ندارد این باید موضوع اطمینان بشود آنجا ممکن بود اگر اطمینان بخش هم

نباشد ما بگوییم مناط حجیت خبر کاشفیت 90 درصدی هست، احدهما لابه عین 95 درصد احتمال صدق دارد و این 95 درصد به قیاس اولویت اعتبار آن از 90 درصد استفاده می‌شود وقتی شارع مقدس خبرثقه معین را حجت کرده به جهت اینکه 90 درصد احتمال مطابقت با واقع دارد پس خبر ثقه غیر معین را که 95 درصد مطابقت آن با واقع هست آن را به طریق اولی معتبر خواهد کرد آنجا بحث این گونه هست اما در ما نحن فیه 50 نفر از علما که خود حجیت خاصی ندارد بنابراین آن بحثی که آنجا می‌توانست کار ساز باشد اینجا کارساز نیست اینجا باید حتماً آن 95 درصد داخل در مقوله اطمینان شود یعنی از حجیت قول نیمی از علما حجیت اجماع مرکب را نمی‌شود نتیج گرفت چون نیمی از علما حجیت ذاتی ندارد باید دید اگر فرض کنید قول 50 نفر از علما 0 درصد می‌آید و قول 50 درصد هم 90 درصد می‌آید و مجموع که 95 درصد می‌شود 95 درصد ذاتاً کافی است یا کافی نیست؟ (بحث اطمینان) مقدار احتمالی که در نزد عقلا برای حجیت یک اعمال معتبر چقدر است؟ آیا 95 درصد هست یا 99 درصد است، اگر 99 درصد باشد فقط اجماع بسیط حجت است اگر 95 درصد هم باشد اجماع مرکب هم حجت می‌شود پس بنابراین اجماع مرکب هم می‌تواند حجت باشد حتی در فرضی که هر کدام خود آنها را به تبع قول خودشان نفی ثالث هم می‌کنند باز هم ممکن است بگوییم که این 95 درصد احتمال هست یکی از اینها لاعلی التعیین صادق باشد بنابراین یکی از اینها لاعلی التعیین 95 درصد باشد نفی ثالث می‌کنیم ما می‌گوییم اطمینان داریم که یکی از اینها صادق هست که نتیجه بحث این می‌شود حالا نتیجه اجماع مرکب چه می‌شود؟ دو تا نتیجه دارد یکی اینکه اطمینان اجمالی به صدق احدهما حاصل می‌شود و احکام اطمینان اجمالی را، همچنان که علم اجمالی حجت هست اطمینان اجمالی هم حجت هست احکام اطمینان اجمالی بار می‌شود دوم اینکه ما اگر دلیلی بر نفی یکی از این دو تا قول داشتیم اطمینان به صحت قول دیگر حاصل می‌شود اگر این دو تا قولی که هست دلیل داریم حتماً باطل هست در نتیجه آن یکی سالم می‌شود

پرسش: اگر یکی از آن برود...

پاسخ: نه نمی‌رود ما از جای دیگر دلیل داریم که این یکی معین آن مطابق واقع نیست... اطمینان اجمالی، دلیل آوردیم که یکی از اینها کاذب هست فرض کردیم که یکی از اینها علم پیدا کردیم که کاذب هست پرسش: احتمال سوم می‌رود بالا ولی باز باید ببینیم باز اطمینان می‌شود یا نه، یعنی باید حساب دیگر کنیم... پاسخ: فرض این هست که احتمال کاذب بودن هر دو 5 درصد است فقط، دیگر کل 95 درصد مال آن یکی می‌شود یعنی ما احتمال صدق هر دو را یعنی احتمال اینکه یکی از اینها صادق باشند 95 درصد بود، ما اگر فهمیدیم که الف صادق نیست پس آن 95 درصد می‌رود روی ب دیگر، پرسش: احتمال خطاها چطور کم شد، یعنی همینطور احتمال صدق هر دو بالا می‌رود احتمال کذب هم باید بالا برود... پاسخ: بحث این هست که در احتمال اینکه هر دو کاذب باشند کلاهما، احتمال این پائین می‌آید حالا یک تامل بفرمایید اگر ما آیا علم اجمالی به اینکه یکی از اینها علی التعیین کاذب است پیدا کنیم به نظر می‌رسد اگر علم اجمالی پیدا کنیم که یکی از اینها کاذب هست آن دیگر از حساب خارج می‌شود، از حساب که خارج شد آن علم اجمالی ما هم از بین می‌رود در نتیجه اجماع مرکب به درد نمی‌خورد این فایده دوم که برای اجماع مرکب گفتند این اصلاً به درد نمی‌خورد، فقط خاصیتی که اجماع مرکب دارد علم اجمالی به صدق احدهما هست اگر شما دلیل آوردید که یکی از این قولها باطل است این علم اجمالی به کذب عدا هم از بین می‌رود باید به همان نحو علم اجمالی این‌ها را باقی بگذاریم این نحوه محاسبه یک مقدار عوض شد اصلاً نحوه بحثی که در اجماع مرکب آقایان می‌کنند این نحوه طبیعتاً درست نیست.

«و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین»